

Relationship between budget and bank credits with the economic growth of the provinces of the country with the Panel-VAR approach

Yazdan Gudarzi Farahani¹ | Mansour Khalili Araghi²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Economic, Faculty of Economics and Administrative, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: y.gudarzi@qom.ac.ir
2. Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Khalili@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 20 November 2022

Revised in revised form: 3 December 2022

Accepted: 14 December 2022

Published online: 16 December 2022

Keywords:

Budget,
Monetary policy,
Government spending,
Economic growth,
Panel VAR model,

ABSTRACT

In theories of financial development of banks by attracting liquidity and granting facilities, one of the important financial resources and They are available for manufacturing companies. Proper and optimal use of the flow of facilities and credit can increase investment, boost production and employment and thus economic growth. In addition, budget credit as a fiscal policy plays an important role in economic growth. The purpose of this paper is to investigate the relationship between government budget credits and bank credits based on fiscal and monetary policy on economic growth and income distribution of the provinces. In this regard, the credits allocated to different provinces have been evaluated based on monetary and fiscal policy. In order to analyze this relationship, statistical data for the period 2000-2021 and the vector autoregression panel data method (PanelVAR) were used. The results of the shock from the budget credits have had a positive effect on the economic growth of the country's provinces. This shock has also led to more inadequate distribution of income in the provinces of the country. The effects of monetary policy on variables of economic growth and income distribution have been similar to government spending, but the impact of monetary policy has been greater than fiscal policy.

Cite this article: Gudarzi Farahani.Y, & Khalili Araghi. M (2022). Relationship between budget and bank credits with the economic growth of the provinces of the country with the Panel-VAR approach. *Stable Economy Journal*, 3 (3), 1-21. DOI: 10.22111/SEDJ.2022.44020.1261



ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای و بانکی با رشد اقتصادی استان‌ها کشور با رویکرد Panel- VAR

یزدان گودرزی فراهانی^۱ | منصور خلیلی عراقی^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: y.gudarzi@qom.ac.ir

۲. استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: khalili@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در دسترس برای بنگاه‌های تولیدی محسوب می‌شوند. به‌کارگیری مناسب و بهینه جریان تسهیلات و اعتبار می‌تواند افزایش سرمایه‌گذاری، رونق تولید و اشتغال و در نتیجه رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد. علاوه بر این اعتبارات بودجه‌ای به عنوان سیاست مالی نقش مهمی در رشد اقتصادی دارد. هدف مقاله حاضر بررسی ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای دولت و اعتبارات بانکی براساس سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان‌های کشور بوده است. در این راستا اعتبارات تخصیص داده شده بر استان‌های مختلف بر اساس سیاست پولی و مالی مورد ارزیابی قرار گرفته است. به منظور تحلیل این رابطه از اطلاعات آماری بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۰ و روش داده‌های پنلی خودرگرسیون برداری (PanelVAR) استفاده گردید. نتایج بدست آمده از شوک وارد شده از ناحیه اعتبارات بودجه‌ای اثر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور داشته است. همچنین این شوک منجر به توزیع نامناسب تر درآمد در استان‌های کشور شده است. اثرات سیاست پولی نیز بر متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد مانند مخارج دولت بوده است اما شدت اثرگذاری سیاست پولی از سیاست مالی بیشتر بوده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۹	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۹/۱۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۳	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۲۵	
واژه‌های کلیدی: بودجه، سیاست پولی، مخارج دولت، رشد اقتصادی، مدل Pnael VAR	

استناد: گودرزی فراهانی، یزدان و خلیلی عراقی، منصور (۱۴۰۱). ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای و بانکی با رشد اقتصادی استان‌ها کشور با رویکرد

Panel-VAR. *اقتصاد باثبات*، ۳ (۳)، ۱-۲۱.

DOI: 10.22111/SEDJ.2022.44020.1261



۱. مقدمه

یکی از موضوعات پر بحث در اقتصاد مشخص کردن تعامل سیاست پولی و مالی و اثرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی به منظور رسیدن به اهداف کلان اقتصاد کشورها بوده است و با افزایش بحث‌ها در خصوص استقلال بانک مرکزی، مسأله هماهنگی و سازگاری سیاست پولی و مالی پر اهمیت‌تر شده است. اولین بحث در مورد این موضوع به اختلاف بین دیدگاه اقتصاد کلاسیکی و کینزی در خصوص غلبه تأثیر یک سیاست بر سیاست دیگر برمی‌گردد. از دهه ۱۹۸۰، اقتصاددانان معتقد بودند که جهت رسیدن به اهداف سیاست ثبات اقتصادی، شاید بهترین گزینه، استفاده از سیاست‌های ترکیبی پولی و مالی بهینه است. در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مدیریت تقاضا برای کوتاه‌مدت و بلندمدت همواره سعی شده به مسأله تعامل و هماهنگی سیاست پولی و مالی توجه شود. همچنین بر تعیین مسیر بهینه برای هر یک از سیاست‌های مالی و پولی، باید مسیر مناسب و سازگار برای ترکیب سیاست‌های پولی و مالی مورد توجه باشد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۸).

بطور کلی در اقتصادهایی که سهم بخش‌های عمومی و دولتی در اقتصاد بالاست، عملکرد دولت یکی از متغیرهای مهم توضیح دهنده شاخص‌های اقتصاد کلان است. مخارج دولت یکی از متغیرهای تابع تقاضای کل اقتصاد بوده است که هم بر سطح سرمایه و هم در خرید کالاهای مصرفی بر اقتصاد ملی اثرگذار است. این امر که در کل مخارج دولتی، چه نسبتی مخارج مصرفی و چه نسبتی سرمایه‌گذاری باشد، مهم است. به طور قطع هرچه نسبت مخارج مصرفی به کل کوچک تر باشد، اقتصاد دولتی اثر بیشتری بر رشد اقتصادی گذاشته و عملکرد دولت را کارا تر می‌کند.

از سوی دیگر در خصوص اثرگذاری سیاست پولی بر بخش حقیقی اقتصادی و مخارج دولت بر اقتصاد، اعطای تسهیلات مناسب و بودجه بندی دولت در استان‌های مختلف تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی آنها دارد. هزینه‌های جاری و عمرانی دولت و سهم بودجه‌ای متفاوت استان‌ها همواره در سرمایه‌گذاری این مناطق اثرگذار است. بررسی روند لایحه بودجه طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای استانی شامل طرح‌های استانی ویژه در لایحه بودجه دولت دارای رشد نسبتاً مناسبی است، همچنین اعتبارات مربوط به سهم درصد درآمد حاصل از صادرات نفت و اعتبارات موضوع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای مناطق کمتر توسعه‌یافته نیز رشد داشته است.

با توجه به اثرگذاری سیاست پولی و مالی بر موضوع توزیع درآمد باید گفت که توزیع درآمد به دلیل داشتن اثرات اقتصادی و اجتماعی همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است، در ایران نیز همچون تمامی کشورها، توزیع درآمد یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم دولت است و چون غالباً توزیع درآمد از دید مسایل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد، همین امر موجب شده

است تا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای رفع این مشکل توصیه شود؛ در حالی که پدیده نابرابری توزیع درآمد، به خاطر مقاومت نیروهای درونی پایداری از خود نشان می‌دهد و اجرای سیاست‌های کوتاه مدت و بدون شناخت عوامل تأثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی به دنبال دارد بنابراین برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل مؤثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود (دهمرده و شگری، ۱۳۸۹). بودجه دولت، از لحاظ حجم و عظمت بزرگترین سند مالی و از لحاظ اهمیت مهم‌ترین عامل مستقل پویا در سطح اقتصادی است، که جهت اداره و پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روابط بین‌الملل و در یک کلمه توسعه کشور به کار گرفته می‌شود. این سند از لحاظ مقدار نسبی و حجم ترکیب اقلام درآمدها و هزینه‌ها حائز اهمیت بالایی است (Yuan and et al, 2020). از طریق بودجه کل کشور است که دولت می‌تواند بر سطح متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر بگذارد. در ایران که بخش بزرگی از اقتصاد، دولتی است و درآمدهای نفتی دولت منبع تغذیه و رشد بیشتر بخش‌های اقتصاد و جامعه است، نظام بودجه ریزی مانند سیستم شریان‌های بدن، نقش مهمی در انتقال خون حیات بخش درآمدهای نفتی به اجزای مختلف جامعه و اقتصاد بازی می‌کند. بنابراین نظم و انضباط، شفافیت، سلامتی در نظام بودجه ریزی می‌تواند کل نظام سیاسی و اجتماعی را با رشد و پویایی و سرزنده داری مواجه و درهم ریختگی، بی‌قاعدگی و فساد در نظام بودجه ریزی نیز می‌تواند کل نظام سیاسی و اجتماعی یک کشور را با بحران روبرو سازد (الماسی، ۱۳۸۷).

با مروری بر لایحه بودجه کشور در سال‌های اخیر مشاهده شده که سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بودجه عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، اعم از مصارف عمومی و اختصاصی، برابر با ۱۰۹۶ هزار میلیارد ریال است که شامل ۱۰۴۰ هزار میلیارد ریال مصارف عمومی و ۵۶ هزار میلیارد ریال اعتبارات اختصاصی می‌شود. علاوه بر این اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل مصارف عمومی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ برابر با ۱۰۴۰ هزار میلیارد ریال است که نسبت به این اعتبارات در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ (۸۸۰ هزار میلیارد ریال) حدود ۱۸/۲ درصد رشد داشته است. همچنین سهم این اعتبارات از کل منابع عمومی ۱۲/۳ درصد است. سهم هریک از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی، استانی و متفرقه از کل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ به ترتیب برابر با ۴۷/۴، ۱۶/۸ و ۳۵/۸ درصد است که این سهم‌ها نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۷/۴-، ۲/۷ و ۵/۷ واحد درصد تغییر کرده است. طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ نسبت عملکرد اعتبارات عمرانی به اعتبارات هزینه‌ای به رغم نوسانی بودن، در مجموع سیر نزولی داشته است، به نحوی که به تدریج از ۳۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به حدود ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است. این امر بدین معناست که به تدریج سهم عمده‌ای از منابع

بودجه عمومی دولت صرف امور هزینه‌ای شده و سهم اعتبارات عمرانی کاهش یافته است (گزارش‌های مرکز مطالعات مجلس، ۱۴۰۱).

دولت‌ها در شرایط متفاوتی که در اقتصاد وجود داشته باشد از طریق اختصاص هزینه‌های خود در دو بخش هزینه‌های جاری و عمرانی بر بخش‌های مختلف اقتصاد اثر می‌گذارند که مهمترین و رایج‌ترین این متغیرهای کلان اقتصادی رشد اقتصادی است. بنابراین هدف این مطالعه بررسی نقش اعتبارات بودجه‌ای و بانکی به عنوان معیارهای سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در استان‌های کشور است.

ساختار مقاله حاضر در پنج بخش تشکیل شده است. در ادامه و در بخش دوم به بررسی ادبیات نظری تحقیق پرداخته شده است. در بخش سوم به روش‌شناسی تحقیق اشاره شده و در بخش چهارم مدل تجربی برآورد شده است. در نهایت بخش انتهایی اختصاص به نتیجه‌گیری داشته است.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

پول و سیاست‌های پولی از مباحث با اهمیت در حوزه اقتصاد کلان به شمار می‌آیند. سیاست پولی به سیاستی اطلاق می‌گردد که مقامات پولی از طریق تغییر در عرضه پول و یا تغییر در نرخ بهره یا هر دو، متغیرهای حقیقی اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در واقع مهمترین نقش سیاست پولی کنترل حجم پول و نقدینگی است و از این طریق بر سایر متغیرهای اقتصادی اثر می‌گذارد. لذا نحوه تنظیم سیاست پولی و بررسی آثار اعمال سیاست پولی روی متغیرهای اقتصادی همواره مورد توجه سیاست‌گذاران پولی بوده است. اما مکاتب مختلف اقتصادی دیدگاه متفاوتی در مورد اثرگذاری سیاست‌های پولی روی متغیرهای اقتصادی دارند. در خصوص اثرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای اقتصادی، در کوتاه مدت منجر به افزایش سطح قیمت و بهبود تولید است. در کوتاه مدت، چون دستمزدهای پولی به حد کافی کاهش نمی‌یابد بیکاری افزایش می‌یابد ولی در طی زمان دستمزد به علت بیکاری کاهش می‌یابد. سیاست‌های پولی و مالی می‌توانند تقاضای کل را جابه‌جا کنند و از آثار بیکاری بکاهند اما این امر آثار تورمی را افزایش می‌دهد.

از طرف دیگر ابزارهای دو گانه سیاست‌های مالی و پولی اهم‌هایی هستند که توسط دولت‌ها برای دستیابی به اهداف نهایی اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرند. مکانیزم تأثیرگذاری این ابزارها یا از طریق تأثیر مستقیم بر اهداف نهایی است و یا آن‌که از طریق اهداف میانی اثرات خود را به اقتصاد منتقل می‌کنند (Tan and et al, 2020). بخش مالی با تسهیل مبادلات اعطای اعتبارات، کاهش ریسک و ارائه سایر خدمات مالی نقش بالقوه مهمی در افزایش متوسط سطح درآمد و همچنین کاهش نابرابری درآمدی دارد. سیاست پولی در صورتی که دسترسی افراد فقیر را به بازارهای مالی

محدود کند و یا باعث کاهش فرصت‌های برابر اقتصادی شود که این کار می‌تواند منجر به افزایش فقر نیز گردد. بنابراین کانال اثرگذاری سیاست پولی بر فقر و نابرابری امری مهم و ضروری است. در خصوص اثرگذاری سیاست مالی بر بخش حقیقی اقتصادی باید اشاره کرد که، ارتباط میان مخارج دولت و رشد اقتصادی نیز در نظریه‌های اقتصادی مورد توافق قطعی اقتصاددانان نیست. با این حال انتظار می‌رود که دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و ارائه مطلوب و کارآمد خدمات پایه به رشد اقتصادی کمک نماید. تجربه برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان می‌دهد که افزایش بیش از حد مخارج دولت در اقتصاد موجب تأثیر گذاری منفی بر رشد اقتصادی خواهد شد. در مورد رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی به طور کلی ۳ دیدگاه کلی در نظریه‌های اقتصادی وجود دارد. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی می‌تواند مثبت، منفی و خنثی باشد. گروه اول نئوکلاسیک‌ها هستند که رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی را منفی می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که افزایش مخارج دولت موجب بروز پدیده ازدحام خارجی^۱ می‌شود؛ این پدیده موجب کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی خواهد شد و بنابراین رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. گروه دوم که رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی را مثبت می‌دانند استدلال می‌کنند که افزایش مخارج دولت باعث به وجود آمدن پدیده اثرات خارجی می‌شود و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. گروه سوم با کلاسیک‌های جدید به وجود رابطه خاصی میان مخارج دولت و رشد اقتصادی معتقد نیستند، آنها به دلیل اعتقاد به نظر به تعادل بارو-ریکاردو هر گونه تغییر در مخارج دولت را بر رشد اقتصادی بی اثر می‌دانند. نظریه بارو ریکاردو حکایت از عدم تأثیر کسرت بودجه دولت بر مصرف دارد، آنها با الهام از نظریه دوره زندگی و در آمد دائمی بیان می‌دارند از آنجایی که دولت از طریق استقراض از مردم کسری بودجه خود را تأمین می‌کند و در آینده برای پرداخت این بدهی از طریق افزایش مالیات آن را تأمین خواهد کرد، مصرف تغییری نمی‌کند. مهمترین ابعاد قابل توجه در خصوص نقش دولت در مدل‌های رشد به صورت زیر مطرح شده است (سعدی و همکاران، ۱۳۸۹).

❖ تأمین کالاهای عمومی مولد

عمومی بودن یک کالا و زمینه استفاده مشترک همه مصرف‌کنندگان، زمینه فروش کالا را از تولید کننده منع می‌کند. زمانی که کالایی به صورت همگانی و مشترک مصرف شود. زمینه فروش مجزا هر واحد آن به مصرف‌کنندگان انفرادی امکان پذیر نیست. زیرا در صورت مصرف مشترک، تفکیک هر واحد مصرف و فروش مجزا امکان‌پذیر نخواهد بود. از آنجایی که کالاهای عمومی مولد در فرآیند

^۱ Externalities

تولید بنگاه‌های اقتصادی استفاده می‌شوند به عنوان یک نهاده مکمل برای سایر سایر نهاده‌ها، بهره‌وری آنها را افزایش می‌دهند. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که تخصیص مخارج دولت به تولید کالاهای عمومی مولد، به دلیل خلق آثار خارجی مثبت در شرایط تولید و سرمایه‌گذاری، بازده نهایی سایر عوامل تولید را ارتقاء می‌دهد و منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

❖ نقش دولت در کنترل حقوق مالکیت

با توجه به اینکه بنگاه اقتصادی نسبت به تملک ارزش محصول تولیدی خود و همچنین سود ناشی از سرمایه‌گذاری خود اطمینان کافی ندارند. این عدم اطمینان بدلیل نقض حقوق مالکیت بنگاه تولیدی نسبت به ارزش محصول خود و یا سود سرمایه‌گذاری بنگاه است. بنابراین دولت می‌تواند با ارتقاء حقوق مالکیت، به بنگاه‌های تولیدی اطمینان خاطر کافی را دهد. در واقع، دولت با ایجاد یک نظام قضایی و دادگستری مناسب و ارائه خدمات نظارتی کارا، هزینه تصرف غیر قانونی در اموال دیگران را بیشتر کرده و امنیت مالی بنگاه‌های تولیدی در مقابل نقض این حقوق را تا حدود زیادی تأمین کند.

❖ رشد انباشت سرمایه انسانی

انباشت سرمایه انسانی از دو طریق به رشد اقتصادی کمک می‌کند. در مدل رشد اقتصادی «لوکاس»^۱، سرمایه انسانی از طریق آموزش نیروی کار منجر به رشد اقتصادی می‌شود. مشارکت در فرآیند آموزش نیروی انسانی در مدل لوکاس، به دلیل آن که دانشجویان مشارکت مستقیم در فرآیند تولید بنگاه است، دارای اثر تولیدی جانبی منفی است اما از آنجا که مانع کاهش بازده سرمایه در فرآیند تولیدی می‌شود، دارای اثر جانبی مثبت بوده است.^۲ در مدل‌های رشد اقتصادی مبتنی بر تحقیق و توسعه، تجمیع سرمایه انسانی در کشورهای دنباله‌رو^۳ که مشارکتی در فرآیند تولید فناوری‌های نوین ندارند، فرآیند کپی‌برداری^۴ از کشورهای رهبر^۵ در زمینه تحقیق و توسعه را بهبود می‌بخشد. تجمیع سرمایه انسانی در کشورهای دنباله‌رو، ظرفیت جذب فناوری‌های نوین از کشورهای رهبر را تعیین می‌کند.

۱ Lucas

۲ مقاله لوکاس (۱۹۸۸) و بخش ۵.۲ از کتاب بارو و سالای مارتین (۱۹۹۵) را ببینید.

۳ Follower

۴ Imitation

۵ Leader

❖ سرمایه‌گذاری در علوم پایه، بهبود دانش عمومی و حمایت از فرآیند تحقیق و توسعه

زمینه‌های تحقیق و توسعه در مدل‌های رشد اقتصادی که با هدف ارتقاء فناوری تولید و تغییر در فرآیند تولید محصول رخ می‌گیرد باید حمایت شوند. محل دخالت دولت در این زمینه این است که با حفظ و ارتقاء حقوق مالکیت معنوی، اطمینان لازم در فضای خلق ایده‌های جدید را برای محققین فراهم کند. هر محقق در صورت ایجاد ایده‌ای جدید می‌تواند اختراع خود را به ثبت برساند و استفاده دیگران از ایده خود را در محدود کند.

۲,۲ مروری بر مطالعات پیشین

یوان^۱ (۲۰۲۲) به بررسی اثر مخارج دولت در رشد اقتصادی و بازسازی اقتصاد پرداخت. در این مطالعه اثرات مداخله دولت و مخارج آن در کشور چین پس از بروز همه‌گیری ویروس کرونا بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل رگرسیونی پرداخت. نتایج این مطالعه نشان دهنده این بود که مخارج جاری و عمرانی دولت اثر معنی داری بر رشد اقتصادی و بازسازی اقتصاد پس از بحران داشته است.

لی و همکاران^۲ (۲۰۲۱) اثرات سیاست پولی و مالی را از طریق بودجه و اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی کشور چین مورد ارزیابی قرار دادند. در این مطالعه از اطلاعات آماری بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۹ برای کشورهای هند، چین، برزیل و انگلیس با استفاده از روش داده‌های پنلی پرداختند. نتایج بدست آمده نشان دهنده اثرگذاری مثبت و معنی داری سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی در این گروه از کشورها بوده است.

تان و همکاران^۳ (۲۰۲۰) به بررسی اثرگذاری سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی کشور مالزی پرداختند. در این مطالعه از روش خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و اطلاعات آماری بازه زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۷ استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان دهنده این بود که نرخ بهره اثر منفی بر رشد اقتصادی در این کشور داشته است. همچنین مخارج دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی و اعتبارات بانکی اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است.

^۱ Yuan

^۲ Li and et al

^۳ Tan and et al

گرایر و تولوک (۲۰۱۸) با استفاده از همبستگی رگرسیونی و با استفاده از داده‌های ۲۰ سال برای ۱۱۳ کشور ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بدست آمده نشان داد که ارتباط بین رشد کشورهای مورد مطالعه و متغیرهای گوناگون کلان اقتصادی ارتباطی غیر مثبت است. آنها نشان دادند که به طور متوسط رشد سهم مخارج دولت در GDP به طور کلی دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی است. این یافته ها نشان می دهند که یک افزایش در اندازه‌ی دولت به عنوان مقیاسی برای سهم مخارج دولت در GDP رشد اقتصادی را کاهش داده و آن را مختل می‌کند.

بروس و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود اثر مخارج عمومی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور اثرات رشد مخارج دولت در مجموعه‌ای شامل ۳۰ کشور در حال توسعه را در طول دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با توجه ویژه به مخارج بخشی دولت بررسی شد. نتایجی که از این مطالعه به دست آمده به دو دسته تقسیم شده‌اند اولاً سهم مخارج سرمایه ای دولت بر روی رشد GDP مثبت است و ارتباط معنی داری با آن دارد اما مخارج جاری دولت دارای اثر کمتری بر رشد است. ثانیاً در سطح بخشی مخارج سرمایه‌ای و کل مخارج در آموزش متغیرهایی هستند که ارتباط ویژه‌ای با رشد دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش دارای نقشی کلیدی در رشد اقتصادی کشور های در حال توسعه است.

امرایی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه تعادل منطقه‌ای در توزیع اعتبارات عمرانی دولت بامتغیرهای کلان اقتصادی استان‌های کشور پرداختند. در این مطالعه از اطلاعات سری زمانی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ با تأکید بر استان لرستان استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان داد در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۱ رشد مجموع اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور، ۱۱۵ درصد، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۶۰ درصد، و اعتبارات جاری ۲۲۰ درصد بوده است.

خداویسی و عزتی (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی ایران پرداختند. در این مطالعه از مدل رشد بارو و مدل اقتصادسنجی خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی و رویکرد ضرایب متغیر در طول زمان در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۴۶ استفاده شد. برای این منظور از آزمون‌های لامزداین پاپل (۱۹۹۷)، گریگوری هانسن (۱۹۹۶) و سایکنن لوتکیپل (۲۰۰۲) استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان دهنده وجود شکست‌های ساختاری در متغیرهای تحقیق بود. علاوه بر این با استفاده از مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی مقدار متغیر آستانه با لحاظ شکست‌های ساختاری برای مخارج جاری دولت معادل با ۱۵/۲ درصد و برای مخارج عمرانی دولت معادل با ۸/۲ درصد تولید ناخالص داخلی سرانه بود. در نهایت نتایج نشان داد که ضرایب مربوط به متغیرهای مورد

استفاده در مدل طی زمان ثابت نبوده و این پارامترها در طول زمان با توجه به منبع تکانه وارد شده، رفتار متفاوتی را دارند.

آفازاده و دیزجی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر کارایی هزینه و اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان پرداختند. این پژوهش، رابطه تجربی بین کارایی و اثربخشی دولت با رشد اقتصادی را با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته در چارچوب داده‌های ترکیبی برای ۱۲۱ کشور منتخب جهان در بازه زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۶ در دو گروه‌بندی مجزا برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد بررسی قرار داده است. نتایج بیانگر تأثیر مثبت کارایی و اثربخشی هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی است.

گسگری و اقبالی (۱۳۸۶)، به بررسی رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه از یک مدل رگرسیونی در بازه زمانی ۱۳۸۲ - ۱۳۵۲ استفاده شد. نتایج حکایت از آن داشت که مخارج دولت چه به صورت مصرفی و چه به صورت سرمایه‌ای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. مخارج سرمایه‌ای می‌تواند تا دو سال رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد در حالی که تأثیر مخارج مصرفی معطوف به همان سال است. از سوی دیگر نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به موجودی سرمایه نیز اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و این اثر از تأثیر مخارج دولت بیشتر است.

سامتی و همکاران (۱۳۸۲) با توجه به تفکیک مخارج دولت به هزینه‌های عمرانی و جاری، اثرات آنها را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از داده‌های سال‌های (۱۳۷۸-۱۳۳۸) و با تأکید بر تفکیک تابع مصرف گروه‌های مختلف درآمدی و تدوین سیستم معادلات هم‌زمان برای هر کدام از گروه‌ها، به بررسی اثرات هزینه‌های جاری و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی با توجه به توابع مصرف خاص پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که هزینه‌های عمرانی در مقایسه با هزینه‌های جاری تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی دارند.

۳. روش شناسی پژوهش

در این تحقیق روش مورد استفاده توصیفی- کمی است. اطلاعات آماری متغیرهای تحقیق از بانک مرکزی ایران و سازمان برنامه و بودجه گردآوری شده است. در انجام تحقیق حاضر از داده‌های فصلی مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۹ استفاده شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر اقتصاد ایران است.

در این مطالعه تأثیر شوک‌های ناشی از اعتبارات بودجه‌ای و بانکی به عنوان معیارهای سیاست پولی و مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان‌های کشور با استفاده از روش خودرگرسیون برداری

پنلی (Panel VAR) مورد ارزیابی قرار گرفت. شکل ساختاری مدل VAR به صورت زیر است (وفایی و همکاران، ۱۳۹۸):

$$A_0 Z_t = \alpha + \sum_{i=1}^{12} A_i Z_{t-i} + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن ε_t بیانگر بردار اختلالات ساختاری است که به صورت سریالی و متقابل ناهمبسته هستند. فرض شده که e_t نشانگر اختلالات مدل VAR تعدیل یافته باشد، به طوری که $e_t = A_0^{-1} \varepsilon_t$ باشد. اختلالات ساختاری با لحاظ محدودیت‌های کوتاه مدت بر روی A_0^{-1} استخراج شده است. مدل مورد نظر یک ساختار بازگشتی بلوکی بر روی رابطه همزمان بین اختلالات تعدیل یافته و اختلالات ساختاری مربوطه لحاظ می‌کند. رابطه اصلی برقرار شده بین شوک‌های فرم تعدیل یافته و شوک‌های فرم ساختاری در یک مدل SVAR به صورت رابط زیر است:

$$A \varepsilon_t = B U_t \quad (2)$$

که در این رابطه، ε_t و U_t به ترتیب بردارهای جملات اخلاص فرم خلاصه شده (ε_t) و جملات فرح ساختاری (U_t) هستند که هر دو بردارهایی با ابعاد $(k \times 1)$ هستند و A و B ماتریس‌هایی با ابعاد $(k \times k)$ هستند. برطبق معادلات بلانچارد، جیانینی و سیمز همبستگی همزمان بین متغیرها بوسیله دو ماتریس مربع معکوس‌پذیر A و B قابل بیان است. پس از تفکیک تکانها از رویکرد خودرگرسیون برداری پنلی استفاده می‌شود. این روش با افزایش در حجم مشاهدات و کارایی برآورد کننده‌ها به معنادار شدن نتایج کمک می‌کند. همچنین علاوه بر تخمین آثار انباشته، توابع کنش - واکنش را نیز برآورد می‌کند. متغیرهای مورد استفاده در این بخش شامل مجموعه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۹ است که شامل تولید حقیقی، اعتبارات بانکی، اعتبارات بودجه‌ای و ضریب جینی استان‌های کشور است. اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه از بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و مرکز آمار گردآوری شده است.

۴. برآورد مدل و آزمون‌های تجربی

۴.۱ آزمون ریشه واحد متغیرهای پژوهش

در بخش اول برای اجتناب از نتایج نادرست برآمده از رگرسیون‌های کاذب، انگل و گرنجر (۱۹۸۷) به بررسی وجود ریشه واحد در متغیرها پرداخته شده است. برای این منظور از آزمون ایم، شین و پسران (IPS) استفاده گردید. آزمون ریشه واحد در شرایط وجود عرض از مبدا و روند صورت گرفته است. نتایج جدول (۱) نشان‌دهنده این موضوع است که متغیرهای اعتبارات بانکی (سیاست پولی)، اعتبارات بودجه‌ای (سیاست مالی) و تولید ناخالص داخلی به دلیل این‌که دارای مقدار سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ هستند فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را رد نکرده و این متغیرها

در سطح نامانا هستند و با یکبار تفاضل گیری مانا شده‌اند اما متغیر ضریب جینی در سطح مانا بوده است.

جدول ۱: آزمون‌های ریشه واحد IPS (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر	سطح		تفاضل مرتبه اول	
	آماره آزمون	سطح معنی داری	آماره آزمون	سطح معنی داری
لگاریتم اعتبارات بودجه‌ای	-۰/۷۲	۰/۴۸	-۳/۶۷	۰/۰۰
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	-۱/۰۲	۰/۱۶	-۴/۵۶	۰/۰۰
لگاریتم اعتبارات بانکی	-۰/۶۷	۰/۳۴	-۳/۷۵	۰/۰۰
ضریب جینی	-۳/۹۸	۰/۰۰	-	-

۴,۲ آزمون هم‌انباشتگی متغیرهای پژوهش

در جدول (۲) به دلیل وجود ریشه واحد در متغیرها به بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی پنلی پرداخته شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون هم‌انباشتگی پنلی (منبع: یافته‌های تحقیق)

آماره‌ها	با روند زمانی	بدون روند زمانی
آماره - ۷ پنلی	(۰/۹۷)	(۰/۹۹)
آماره - ρ پنلی	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
آماره - PP پنلی	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
آماره - ADF پنلی	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
آماره ρ گروهی	(۰/۹۱)	(۰/۹۸)
آماره PP گروهی	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
آماره ADF گروهی	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)

همان‌طور که اطلاعات جدول (۲) نشان می‌دهند، برای دو حالت مورد نظر، اکثر مقادیر سطح خطای گزارش شده برای آماره‌های پدرونی کمتر از ۵ درصد هستند و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت و هم‌انباشتگی بین متغیرها رد می‌شود، بنابراین می‌توان بیان کرد که رابطه بلندمدت بین متغیرهای ذکر شده وجود دارد.

۴,۳ آزمون تعیین وقفه‌های بهینه مدل

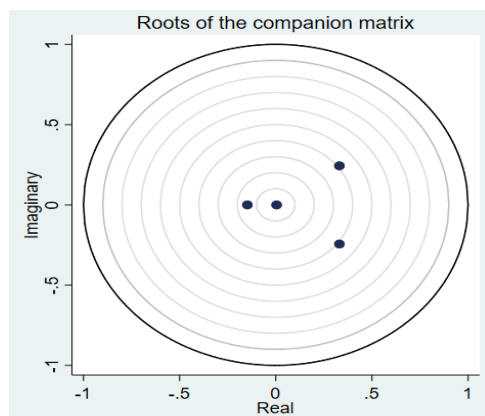
یکی از شرایط لازم در برآورد مدل خودرگرسیون برداری تعداد وقفه بهینه مدل است که این موضوع با استفاده از ملاک‌های تعیین وقفه انتخاب می‌گردد. تعیین وقفه بهینه مدل باید بر اساس تعداد مشاهدات، حجم نمونه و تعداد متغیرهای مدل صورت گیرد. در جدول (۳)، تعداد وقفه بهینه مدل بر اساس معیارهای اطلاعاتی مختلف از قبیل آکائیک و شوارتز ارائه شده است. به دلیل اینکه

استفاده از معیار اطلاعاتی شوارتز منجر کاهش کمتر در درجه آزادی مدل نسبت به دیگر معیارها می‌شود، بر این اساس در این مطالعه، وقفه بهینه براساس معیار اطلاعاتی شوارتز انتخاب شده است.

جدول ۱: تعیین تعداد وقفه‌های بهینه مدل (منبع: یافته‌های تحقیق)

تعداد وقفه	آماره آکائیک	آماره شوارتز
۱	-۸/۸۵	* -۸/۵۶
۲	* -۸/۹۵	-۸/۱۲
۳	-۸/۶۲	-۷/۴۲

همانطور که در جدول (۳) مشخص شده است، وقفه بهینه در این مدل بر اساس معیار شوارتز وقفه یک است. در ادامه به بررسی آزمون ثبات مدل یا پایداری مدل پرداخته شده است. این آزمون به این موضوع اشاره دارد که مدل معکوس‌پذیر است و شامل بی‌نهایت بردار میانگین متحرک است که می‌تواند برای تفسیر توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس به کار رود. نتایج پایداری مدل در شکل زیر نشان داده شده است با توجه به اینکه مقادیر ویژه این مدل کمتر از یک بوده و ریشه ماتریس مقادیر ویژه در داخل دایره واحد قرار گرفته است، لذا شرط ثبات (پایداری) در مدل Panel VAR برقرار است.



شکل ۱. آزمون ثبات مدل (منبع: یافته‌های تحقیق)

۴,۴ برآورد مدل Panel VAR

استفاده از روش خودرگرسیون برداری پنبلی منجر به این می‌شود که در شرایطی که اندازه سری زمانی کوچک است، مورد بررسی قرار گیرد. هرچند در این مدل‌ها اندازه سری زمانی کوچک است، اما به این معنی نیست که داده‌ها نمی‌توانند نامانا یا هم انباشته باشند. یکی دیگر از مواردی که در بررسی این مدل‌ها نیازمند توجه است، نقض فرض سازگاری روش شبه حداکثر درست‌نمایی در

استفاده از مدل های با اثرات ثابت است. در تخمین مدل خودرگرسیون برداری پنل از روش برآورد میانگین گروهی بهره گرفته می شود. در این شرایط تخمین های مجزا برای هر مقطع، امکان تمایز بین اثرات فردی هر مقطع را فراهم می آورد. در این روش به علت در نظر گرفتن ناهمگنی های بین مقاطع، همبستگی سریالی بین جملات اختلال کاهش یافته و برآورد سازگاری را از میانگین اثر داده ها، در شرایطی که به دوره زمانی و تعداد مقاطع به اندازه کافی بزرگ است، ارائه می کند (مهرگان و احمدی قمی، ۱۳۹۴).

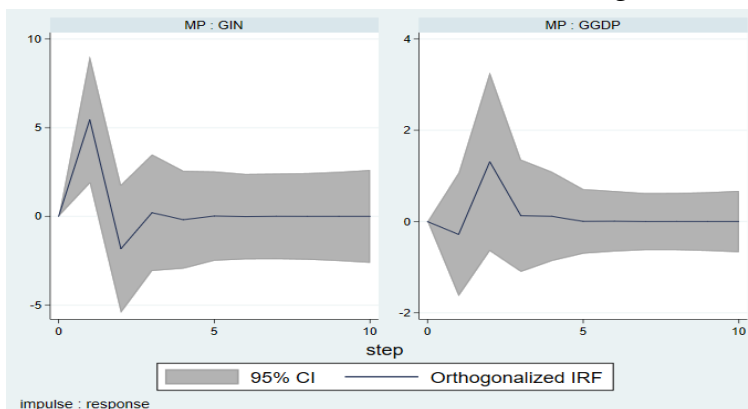
در روش خودرگرسیون برداری پنلی به دلیل وجود ناهمگنی در مقطع ویژگی های مطلوبی را به نمایش می گذارد. این روش مبتنی بر روش سنتی VAR است بطوریکه به تخمین وابستگی های بین یک مجموعه n سری زمانی (یا متغیرهای درونزا) که در طول یک دوره مشابه زمانی (T)، و $(t=1)$ به صورت تابع خطی از مقادیر گذشته، همراه با روش شناسی پنل (که امکان ورود مقاطع ناهمگن را فراهم می سازد) می پردازد برای تجزیه و تحلیل الگو از توابع عکس العمل آنی متعامد برای تشریح واکنش متغیر مطلوب نسبت به سایر متغیرها استفاده می گردد. الگوی پنل VAR بصورت زیر تصریح می گردد.

$$y_{it} = \alpha_i + \gamma_t + z_{it}\beta + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

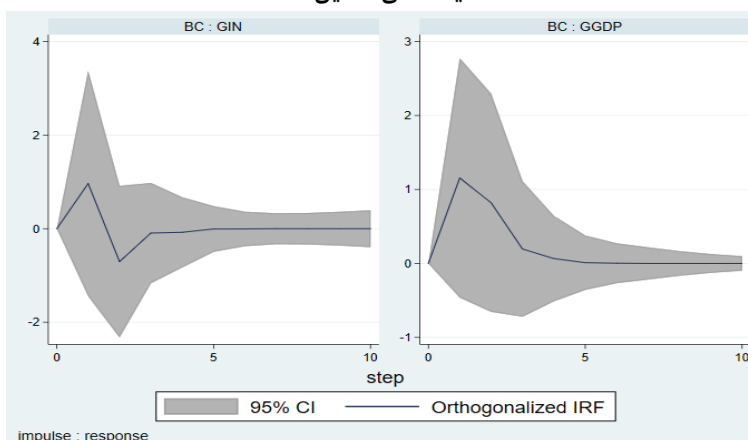
بطوریکه در معادله فوق α_i و γ_t به ترتیب اثرات مقطع و زمان در داده های پنل است و Z_{it} بردار متغیرهای با وقفه درون است و ε_{it} جمله خطای الگو است. استفاده از داده های پنل، بر داده های سری زمانی ارجحیت دارد زیرا علاوه بر افزایش درجه آزادی، اطمینان بیشتری به برآوردها وجود دارد. به علاوه در چارچوب مدل پنل VAR، نیازی به آزمون معنی داری ضرایب نیست، ضمن اینکه می توان تجربه چند استان را در مدل همزمان آزمون کرد و ضرایب را یکبار برای همه آنها مشترک گرفت و یک بار متفاوت بطور خلاصه از مدل های PVAR در ادبیات اقتصادسنجی برای بررسی تکانه های مختلف وارد به اقتصاد، سنجش و نقد نظریه های اقتصادی کلان و تحلیل حسابداری رشد، و مدل های کلان سنجی استفاده زیادی به عمل می آید.

در روش اثر ثابت داده های پنلی، ناهمگنی را هم در عرض از مبدا های مختلف و هم در شیب های متفاوت (یا ضرایب متفاوت) برای VAR های جداگانه برای هر استان اعمال می گردد. در این روش، مدل VAR را طی دوره زمانی ۱۳۹۸ - ۱۳۸۰ برای ۳۰ استان برآورد و توابع عکس العمل آنی بدست می آید. سپس براساس مطالعه پسران و اسمیت (۱۹۹۵)، از این توابع میانگین گرفته و نمودار آنان رسم می گردد تا اثر یک انحراف معیار تکانه در هر متغیر را بر روی متغیرهای دیگر که همان روش شناسی VAR است مورد ارزیابی قرار می گیرد. با توجه به نکات ذکر شده در

نمودارهای زیر واکنش تولید ناخالص داخلی استان ها به تکانه وارد شده از ناحیه مخارج دولت و اعتبارات بودجه ای نمایش داده شده است.



نمودار ۱. واکنش متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد به تکانه اعتبارات بانکی (سیاست پولی) (منبع: یافته های تحقیق)



نمودار ۲. واکنش متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد به تکانه اعتبارات بودجه ای (سیاست مالی) (منبع: یافته های تحقیق)

در نمودار (۱) تکانه وارد شده از ناحیه اعتبارات بانکی به عنوان معیار سیاست پولی بر متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد نمایش داده شده است. نتایج نشان دهنده این است که با وارد شدن یک تکانه به اندازه یک انحراف معیار رشد اقتصادی در استان های کشور افزایش یافته و وضعیت توزیع درآمدی نیز بهبود پیدا کرده است. در نمودار (۲) تکانه وارد شده از ناحیه اعتبارات بودجه ای به عنوان معیار سیاست مالی بر متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد نمایش داده شده است.

نتایج نشان دهنده این است که با وارد شدن یک تکانه به اندازه یک انحراف معیار رشد اقتصادی در استان‌های کشور افزایش یافته و وضعیت توزیع درآمدی نیز بهبود پیدا کرده است. در مقایسه نتایج بدست آمده مشاهده گردید که اثرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای مورد بررسی بیشتر بوده است و با این تکانه اثر سیاست پولی نسبت به سیاست مالی بر توزیع درآمد مناسب‌تر بوده است. از آنجایی که مخارج دولت در اقتصاد ایران ماهیت ادواری دارد. در عین حال به نظر می‌رسد دوره‌ای که در طی آن اقتصاد دچار تلاطم و آشفتگی است، رفتار اقتصادی بیشتر شبیه به نظریه نئوکلاسیکی است. این اتفاق به طور عمده در زمانی می‌افتد که دولت سطح بالایی از بدهی‌ها را داشته باشد. بنابراین کاهش فعالیت‌های علنی تثبیت مالی در طول این دوره از زمان می‌تواند به عنوان یک عامل تحریک کننده در اقتصاد باشد. در نتیجه، تاثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی ممکن است در طول دوره‌های متفاوت، مختلف باشد و حتی تغییر علامت بدهد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر بررسی ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای دولت و اعتبارات بانکی بر اساس سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان‌های کشور بوده است. مرور ادبیات نظری در یک نگاه جامع تر نشان می‌دهد که در میان نظریه‌های اقتصادی مختلف هیچ توافق نظری در این زمینه که آیا سیاست پولی و مالی می‌تواند اثری مثبت، منفی و یا خنثی را بر متغیرهای حقیقی چون سرمایه‌گذاری و رشد داشته باشد، چه از جنبه روش‌شناختی و چه از جنبه نتایج تحقیقاتی، وجود ندارد. به منظور تحلیل این رابطه از اطلاعات آماری بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۰ و روش داده‌های پنلی خودرگرسیون برداری (PanelVAR) استفاده گردید. نتایج بدست آمده از شوک وارد شده از ناحیه اعتبارات بودجه‌ای اثر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور داشته است. همچنین این شوک منجر به توزیع نامناسب تر درآمد در استان‌های کشور شده است. اثرات سیاست پولی نیز بر متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد مانند مخارج دولت بوده است اما شدت اثر گذاری سیاست پولی از سیاست مالی بیشتر بوده است. نتایج این تحقیق دلالت‌های سیاستی مهمی را در خصوص اعمال سیاست‌های اقتصادی برای دولت در بر دارد:

بر اساس نتایج این تحقیق، مداخله بیشتر دولت باعث رشد بیشتر اقتصادی می‌گردد؛ اما نکته اینجاست که در صورت افزایش غیرمعارف مخارج دولت، ممکن است که دولت با محدودیت‌هایی از نظر منابع تأمین درآمد مواجه شود. بنابراین لازم است که محدودیت‌های مذکور را نیز مورد توجه قرار داد. با این حال یک نکته روشن است و آن اینکه با وجود منابع درآمدی کافی، نباید

مخارج را کاهش داد، چون با کاهش مخارج دولت، رشد اقتصادی کاهش می یابد مگر آنکه اطمینان حاصل شود که سرمایه گذاری های خصوصی جایگزین سیاست های دولت خواهد شد. با توجه به اثرگذاری سیاست پولی و مالی بر توزیع درآمد در استان های کشور پیشنهاد می شود که اعتبارات اعطایی با استان های با توجه به میزان نابرابری درآمدی و سطح توسعه یافتگی صورت گیرد تا اثرات بیشتری در اقتصاد این استان ها داشته باشد. از آنجایی که دولت نقش عمده ای در سرمایه گذاری های زیربنایی ایفا می کند، سرمایه گذاری دولتی برای حفظ و گسترش سرمایه گذاری های زیربنایی و تدارک کالاهای عمومی می تواند سرمایه گذاری های بخش خصوصی را تکمیل کند. همچنین با توجه به اینکه دولت، به دلیل تنگنای مالی شدید و ناتوانی در کاهش هزینه های جاری، آسان ترین چاره را در کاهش هزینه های عمرانی می بیند. سرمایه گذاران بالقوه بخش خصوصی نیز در شرایطی که اقتصاد در شرایط رکودی به سر می برد و چشم انداز روشنی در افق اقتصاد پدیدار نیست، کاهش نرخ تورم (که افزایش ارزش روز سرمایه های ثابت را محدود می سازد) و بالا بودن نرخ بهره تسهیلات، بر بی رغبتی سرمایه گذاران می افزاید، بنابراین لازم است دولت همواره سرمایه گذاری های عمرانی خود را با توجه به منابع مالی تأمین مالی از قبیل مالیات و درآمدهای نفتی تأمین کند.

References

- Aghazade Bektash, Frank and Dizji, Munire, (2016). The effect of cost efficiency and government size on the economic growth of selected countries of the world. *Economic Growth and Development Research*, 7(27), 125-142. (In Persian)
- Amrai, Ali, Shadab Far, Elham; and Bazgir, Mehdi (2018). Investigating the relationship between the regional balance in the distribution of government construction credits and the macroeconomic variables of the country's provinces (with emphasis on Lorestan province). *Economi Magazine (bimonthly review of economic issues and policies)*, 19 (9 and 10), 147-182. (In Persian)
- Asghari, Nader, Ishaghi Gurji, Majid; and Abu Nouri, Ismail (2018). Modeling budget distribution in Iran using game theory. *Econometric Modelling*, 4(2), 133-153. (In Persian)
- Bouakez, H., Rebei, A. (2007). Why Does Private Consumption Rise After a Government Spending Shock?, *Canadian Journal of Economics*, 40 (3), 954-979.

- Dahmardeh Nazar and Shukri Zainab (2009). Effects of financial development on income distribution in Iran. *Researches and economic policies*, 18 (54), 147-164(In Persian).
- Dudzevičiūtė, G., Šimelytė, A. and Liučvaitienė, A. (2018). Government expenditure and economic growth in the European Union countries. *International Journal of Social Economics*, 45(2), 372-386.
- Economic time series information bank; *Jamhari Islamic Central Bank of Iran*. (In Persian)
- Emadi, Seyedjavad, Elahi, Naser, Kamijani, Akbar; and Kayalhosseini, Seyyed Ziauddin (2018). Investigating the impact of simultaneous monetary and financial policies on economic growth in Iran. *Economic Studies and Policies*, 6(2), 28-3. (In Persian)
- Gaskeri, Reihaneh and Iqbali, Alireza (2006). Government spending and economic growth in Iran. *Economic Research*, 4, 42-56. (In Persian)
- Gupta, Rajesh (2018). The Impact of Government Expenditure on Economic Growth in Nepal. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3099218> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3099218>
- Khodavisi, Hassan, Ezzati Shurgli, Ahmed (2017). Investigating the relationship between government size and Iran's economic growth: an application of state-space and autoregression models with distributive breaks. *Economic Growth and Development Research*, 8(31), 151-168. (In Persian)
- Lau, Evan, Magdalene Hua – Ling tiong and Ling, Jefferey (2009). Fiscal Sustainability: An Empirical Investigation in Sarawak. *Journal of Economics and Management*, 3(2), 62 – 72.
- Li Ying, Sun Yunpeng, Chen Mengya (2021). An Evaluation of the Impact of Monetary Easing Policies in Times of a Pandemic. *Frontiers in Public Health*, 8, 12-25.
- MehnatFar, Yusuf (2014), Investigating the effect of government spending on private investment in Iran, *Applied Economic Theory Quarterly*, Volume 2, Number 1, Pages 143-162. (In Persian)
- Mehrgan Nader and Ahmadi Qomi Mohammad Ali (2014). Currency shocks and financial markets: an application of the panel vector autoregression model (Panel VAR). *Economic Research and Policy Quarterly*, 23 (75), 103-130. (In Persian)
- Reports of the Majlis Studies Center (1401). An analysis of credits granted to the provinces of the country. (In Persian)
- Saadi, Mohammadreza, Ariani, Bahare, Mousavi, Mirhossein; and Nematpour, Masoumeh (2008). Analyzing the relationship between government spending and economic growth in the framework of Barrow's growth model. *Economic Research Journal*, 10(38), 145-173. (In Persian)

- Samti, Morteza, Ahmadzadeh, Aziz; and Shahnazi, Ruhollah (2005). The effect of natural resources on the economy of OPEC countries and some selected countries. *Economic Studies*, 4(7), 55-74. (In Persian)
- Tan C-T, Mohamed A, Habibullah MS, Chin L (2020). The Impacts of Monetary and Fiscal Policies on Economic Growth in Malaysia. Singapore and Thailand. *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*, 9(1), 114-130.
- Wafai Bekiani, Habib Elah, Mashhadi Ahmad, Mahmoud; and Mehrara, Mohsen (2018). Investigating the relationship between the budget and the economic growth of the country's provinces in terms of inter-provincial credit distribution. *Econometric Modeling*, 4(2), 9-32. (In Persian)
- Yuan, B., Leiling, W., Saydaliev, H.B (2022). Testing the impact of fiscal policies for economic recovery: does monetary policy act as catalytic tool for economic Survival. *Econ Change Restruct.* <https://doi.org/10.1007/s10644-022-09383-7>.